

تنش در روابط ترکیه - اسرائیل و پیامدهای بین‌المللی آن

نویسندگان: داوود نظریور*

محسن کرمی ناوه‌کش**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۷

۵۳

چکیده

سیاست خارجی ترکیه با ظهور اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه تغییرات شگرفی به خود دید. این تغییرات سبب شد ترکیه تا حدودی به جمهوری اسلامی و محور مقاومت نزدیک شود و از اسرائیل و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن دور گردد. مساله فلسطین، حمله اسرائیل به ناو حامل کمک‌های مردمی به غزه، عدم اجازه اسرائیل به داود اوغلو برای سفر به غزه و دیدار با مقامات حماس، تنش‌هایی را در روابط دو کشور به وجود آورد. همچنین، بحث برنامه هسته‌ای ایران و حمایت ترکیه از حقوق صلح‌آمیز هسته‌ای تهران به خاطر ملاحظات اقتصادی خود، مخالفت با درخواست آمریکا برای گشودن جبهه جدید علیه عراق، موجب شد روابط ترکیه علاوه بر اسرائیل با متحدان غربی‌اش دچار تحول و دگرگونی گردد.

واژگان کلیدی: حزب عدالت و توسعه، ایران، فلسطین، اسرائیل، محور مقاومت

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و محقق مسائل امنیتی خاورمیانه nazarpoord@yahoo.com

** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل mohsen132089@yahoo.com

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۷۶-۵۳.

تنش بین ترکیه و اسرائیل زمانی به اوج خود رسید که آنکارا، تلاویو را به خاطر تهاجم این کشور به نوار غزه در دسامبر ۲۰۰۸ طی عملیات کستلید^(۱) مورد مذمت قرار داد. هدف از این عملیات، قطع حملات موشکی پی‌درپی حماس به غیرنظامیان اسرائیلی بود. بعدها مشاجره لفظی نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، با شیمون پرز در اجلاس جهانی داووس در ۲۰۰۹، سردی روابط دو کشور را بیش از پیش عیان نمود. در اکتبر ۲۰۰۹، ترکیه با لغو ناگهانی حضور اسرائیل در مانور هوایی «عقاب آناتولی» که چندین کشور در آن مشارکت داشتند، نارضایتی خود را اعلان نمود. رهبران اسرائیلی نیز واکنش شدیدی نسبت به مواضع ترکیه از خود نشان دادند و به شدت از سیاست‌های آنکارا در منطقه انتقاد نمودند. مدت‌ها بعد، پخش یک مجموعه سریال ضداسرائیلی در تلویزیون دولتی ترکیه که در آن از نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی به‌عنوان قاتلان بی‌رحم و متجاوزان به‌عنف یاد شده بود، سبب افزایش تنش بین این دو متحد منطقه‌ای شد. از پاییز ۲۰۰۹ هفته‌ای را نمی‌توان یافت که در آن اردوغان مقامات اسرائیلی را مورد سرزنش قرار ندهد. در نهایت اینکه، حمله کوماندوهای اسرائیلی به کشتی حامل کمک‌های مردمی به غزه و امتناع تلاویو از عبور این کمک‌ها در ژوئن ۲۰۱۰ که در آن نه اسلام‌گرای ترک به‌همراه یک نفر تبعه دیگر کشته شدند، فرصت دیگری را برای دولت اردوغان به وجود آورد تا به خصومت خود با اسرائیل ادامه دهد و در نتیجه این وقایع بود که اردوغان محبوب‌ترین شخصیت کاریزماتیک در افکار عمومی جهان عرب شد، طوری که هیچ فرد غیرعربی تا آن موقع به چنین موقعیتی دست نیافته بود.

تنش در روابط آنکارا-تلاویو بخشی از نگاه جدید سیاست خارجی ترکیه است که تحلیل‌گران منطقه‌ای و نظام بین‌الملل از آن به‌عنوان دوری از غرب و علاقه به روابط با جهان اسلام، از جمله کشورهای محور مقاومت مانند ایران، سوریه، حماس، حزب‌الله و اخیراً عراق یاد می‌کنند. بخش اول این مقاله به بررسی مختصر اتحاد راهبردی آنکارا-تلاویو در دهه ۹۰ و اوایل

1. Operation's Castlead

هزاره جدید میلادی قبل از ظهور حزب عدالت و توسعه می‌پردازد. قسمت دوم برون‌رفت ترکیه از سیاست خارجی نشات گرفته از الگوهای غربی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. بخش سوم توضیح می‌دهد که چگونه تغییرات حادث در محیط راهبردی ترکیه و همچنین جو داخلی این کشور در اوایل قرن بیست‌ویکم، منجر به ظهور نگاه جدیدی در ترکیه و سیاست خارجی این کشور شد و این رویکرد با تنش‌های جدیدی در روابط دوجانبه همراه گردید. بخش آخر نیز تاثیر تغییرات واقع شده در سیاست آنکارا بر روی سیاست جهانی و نیز خاورمیانه بزرگ را بررسی می‌کند.

ترکیه به خاطر وسعت، موقعیت جغرافیایی و نیز تاریخ سیاسی‌اش در تحولات منطقه خاورمیانه، کشور مهمی محسوب می‌شود. برای اسرائیل، کشوری که تاریخی از تنش و درگیری با همسایگان را با خود یدک می‌کشد، داشتن روابط مسالمت‌آمیز با ترکیه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ چراکه ۹۹ درصد جمعیت این کشور مسلمان بوده و می‌تواند مفر و پناهگاه مناسبی برای اسرائیل باشد تا بتواند از انزوای منطقه‌ای خود جلوگیری نموده و تنش‌های خود را با کشورهای عربی، حداقل در بعد مذهب، به کمترین میزان کاهش دهد. اسرائیل از زمان تاسیس خود بر اهمیت روابط دوستانه با ترکیه تاکید داشته، اما ترکیه بنا به دلایل سیاسی از همکاری با اسرائیل سرباز زده است. این شکل از روابط تا پایان جنگ سرد ادامه داشت. در سال‌های دهه ۹۰، کمال‌سیت‌های حاکم در آنکارا به دنبال متحدانی در منطقه بودند تا بتوانند بر چالش‌های امنیتی رو به رشدی که از جانب کشورهای همسایه همچون ایران، سوریه و عراق احساس می‌کردند، فایق آیند.^۱ این رویکرد با کاهش روابط با ناتو (که ترکیه خود یکی از اعضای آن بود) تقویت شد. به‌علاوه، اقبال ترکیه به اسرائیل یک انتخاب مهمی برای این کشور بود؛ زیرا تلاویو همانند آنکارا نگاه مشترکی به تهدیدات منطقه‌ای داشته، مورد حمایت غربی‌ها بوده و نفوذ قابل توجهی در آمریکا و مجالس این کشور دارد. آنکارا معتقد است اسرائیل می‌تواند فن‌آوری نظامی مورد نیاز ترکیه را که غرب به خاطر جنگ بی‌امان این کشور علیه شبه‌نظامیان کرد از فروش آن امتناع کرده بود، مهیا کند. در نتیجه به دلیل شکل‌گیری فهم جدیدی از نقش مثبت

اسرائیل، ترکیه در ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را با تلاویو در سطح سفیر ارتقا داد. علاوه بر این، در طول سال‌های دهه ۹۰ ترکیه توافق‌نامه‌های متعدد نظامی را با اسرائیل به امضا رساند و مناسبات دو کشور تبدیل به روابط راهبردی شد.^۲

اواسط دهه ۹۰ روابط دو کشور در تمام زمینه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی شکوفا شد. توافق‌نامه‌های دو کشور در عرصه همکاری‌های دفاعی - نظامی به چندین میلیارد دلار در هر سال بالغ می‌شد. از جمله این توافق‌نامه‌ها می‌توان به قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری دو کشور برای مدرنیزه کردن هواپیماهای جنگنده اف-۴ ترکیه و معامله ۶۸۸ میلیون دلاری برای افزایش و ارتقای کیفیت تانک‌های ام-۶۰ و سایر سلاح‌های پیشرفته نظامی ترکیه اشاره کرد. بر اساس این قراردادها، ترکیه نیز به نیروهای نظامی اسرائیل اجازه می‌داد از حریم هوایی این کشور برای انجام مانورهای پیشرفته نظامی استفاده کند. در ضمن دو کشور موافقت کردند در موضوعات مربوط به عملیات تروریستی و ضد اطلاعاتی با هم همکاری‌هایی داشته باشند. برای تلاویو داشتن مناسبات دوستانه با ترکیه پس از آمریکا در درجه اول اهمیت قرار داشت. اتحاد راهبردی بین اسرائیل و ترکیه زمانی شکل گرفت که با یک طرح راهبردی مشترک درباره دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترک درباره ایران، سوریه، عراق و آسیای مرکزی توأم شد. همچنین، این دو دورنما و چشم‌انداز یکسانی در امور خارجی‌شان مانند وفاداری و تعهد سیاست خارجی آنها به ایالات متحده، رویکردها و عقاید مشترک درباره اتحادیه اروپا و در پیش‌گرفتن سیاست توأم با احتیاط در قبال روسیه، دنبال کردند. اتحاد ترکیه - اسرائیل یکی از مشخصه‌های مهم سیاست در خاورمیانه در طول دوران پس از جنگ سرد بود.

پیروزی اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در اکتبر ۲۰۰۲ در مرکز توجه رسانه‌های اسرائیلی و نیز جراید سایر پایتخت‌های جهان قرار گرفت. با وجود این، دولت تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، به‌رغم نشأت گرفتن از ریشه‌های اسلام سیاسی، برگسترش روابط حسنه قبلی با اسرائیل تاکید کرد. ملاقات رهبران ترکیه، از جمله سفر اردوغان در می ۲۰۰۵ تداوم یافت و در این دیدار رهبران دو منطقه بر گسترش روابط در حوزه‌های راهبردی تاکید نمودند. البته باید گفت روابط دوجانبه و موفق ترکیه و اسرائیل، گاهی اوقات تحت‌تاثیر مسائلی چون نگرانی ترک‌ها

در قبال حمایت اسرائیل از ایجاد یک دولت مستقل کردی در عراق در دوران نظم جدید پس از صدام یا شکست فرایند مذاکرات صلح در خاورمیانه و همچنین استقبال آنکارا از هیات اعزامی حماس به این کشور قرار گرفته است.^۳

با این حال، هر چقدر به دهه اول قرن ۲۱ نزدیک می‌شویم، روابط فیما بین بدتر و بدتر می‌شود. ملاقات‌های دوجانبه در سطوح بالا کاهش می‌یابد. در عین حال مقامات ترک به‌طور فزاینده و با لحن خشنی از اسرائیل و سیاست‌های آن در منطقه انتقاد می‌کنند. اسرائیل در دوران ایهود اولمرت به خاطر بی‌اطلاع گذاشتن ترکیه درباره حمله قریب‌الوقوع به غزه و نیز عدم اعطای امتیازات کافی به سوریه در جریان مذاکره غیرمستقیم بین تل‌آویو و دمشق، مورد دلسردی ترکیه قرار گرفت. روابط ترکیه و اسرائیل در سپتامبر ۲۰۰۹؛ زمانی که احمد داود اغلو، وزیر خارجه ترکیه، از رژیم اشغالگر درخواست کرد به او اجازه ورود به نوار غزه داده شود تا با رهبران حماس دیدار کند، اما مقامات تل‌آویو با آن مخالفت نمودند، وارد مرحله جدیدی از تنش‌های دوجانبه گشت.^۴ این تصمیم بخشی از سیاست اسرائیل در عدم آرایه مجوز به رهبران خارجی برای ملاقات با مقامات حماس بود. این رفتار اسرائیل باعث خشم ترک‌هایی شد که نارضایتی خود را با لغو مشارکت اسرائیل در مانور بین‌المللی عقاب آناتولی در اکتبر ۲۰۰۹ نشان دادند.^۵ حجم تجارت دفاعی این دو در سال‌های اخیر سیر نزولی به خود گرفت. نگرانی فزاینده اسرائیل درباره جهت‌گیری جدید سیاست خارجی ترکیه، منجر به خودداری تل‌آویو از ارسال لیسانس‌های صادراتی در فروش اقلام نظامی و خدمات دفاعی به ترکیه شد و با این عمل جایگاه خود را نزد آنکارا تنزل داد.^۶ در آگوست ۲۰۱۰ ایهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، ناراحتی عمیق خود را از امضای قرارداد امنیتی بین ایران و آژانس جاسوسی ترکیه اعلام کرد. مقامات اسرائیل معتقد بودند این موضع ترکیه باعث دوری آنکارا از سیاست غرب‌گرایانه آن می‌شود.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد موضوع فلسطین که منجر به تنش‌های گسترده بین اسرائیل و ترکیه شد، بیشترین انعکاس را بر سیاست خارجی آنکارا پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه داشته است. اردوغان تأکید کرد حل موضوع فلسطینی‌ها، کلید اصلی ثبات در منطقه خواهد بود.^۷ با این حال، افزایش خصومت بین آنکارا و تل‌آویو با رشد تنش بین ترکیه و غرب

هم‌زمان بوده است. این رویکرد در سیاست خارجی ترکیه - دوری از غرب - تاثیر شایان توجهی بر نگاه ترکیه به اسرائیل داشته است.

رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکیه

به موازات تغییر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و شکل‌گیری تعریف تازه‌ای از این تحولات به واسطه اولویت‌های جدید داخلی، روابط ترکیه و اسرائیل سردتر شد.^۸ گرچه اسرائیل در موضع خود مبنی بر حفظ و گسترش روابط با ترکیه به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای تاکید می‌کرد، اما آنکارا با توجه به تغییرات واقع شده در محیط داخلی و بین‌المللی خود مجبور به ادامه و پی‌گیری خط‌مشی جدیدی در سیاست خارجی شد. از اصول این خط‌مشی جدید می‌توان به دوری از غرب و میل فراوان به گسترش روابط با کشورهای مسلمان، به‌ویژه کشورهای که در نزدیکی آنکارا قرار داشتند، اشاره کرد. ترکیه همچنین علاقه‌مندی خود را به کسب یک موقعیت برتر در سطح بین‌الملل نشان داد.

اولین نشانه‌های تغییر در سیاست خارجی ترکیه در مارس ۲۰۰۳ اتفاق افتاد؛ درست زمانی که پارلمان تحت رهبری حزب عدالت و توسعه از ارایه مجوز به تفنگ‌داران آمریکایی برای استفاده از خاک ترکیه به‌منظور گشودن یک جبهه جدید از شمال امتناع نمود. این تصمیم ترک‌ها که حکایت از رشد فزاینده و قابل توجه احساسات ضدآمریکایی در افکار عمومی آنها داشت،^۹ باعث حیرت مقامات ایالات متحده‌ای شد که تا آن موقع فکر می‌کردند ترکیه می‌تواند یک متحد مطمئن و قابل اعتماد برای آنها باشد. در نتیجه به تدریج اختلافات بین ترکیه و ایالات متحده مشهودتر شد.^{۱۰} در ژوئن ۲۰۱۰، ایالات متحده و ترکیه بدترین تنش‌های سیاسی را از ۲۰۰۳ بر سر برنامه‌های هسته‌ای ایران، اختلافات دامنه‌دار آنکارا با تلاویو که باعث ضربه زدن بر همکاری‌های دفاعی ترکیه - ایالات متحده شده بود، تجربه کردند.^{۱۱} انتقادهای پی‌درپی و ادامه‌دار آنکارا از تلاویو، حتی سبب شد رییس‌جمهور این کشور هشدار دهد اگر تنش‌ها ادامه یابد، موجب خواهد شد ترکیه در قراردادهای نظامی خود با اسرائیل تجدیدنظر نماید.^{۱۲}

ترکیه، در عین حال، رویگردانی خود در عمل به تعهداتش در قبال ناتو را با رویکردش در

برابر بحران گرجستان در تابستان ۲۰۰۸ نشان داد. آنکارا چون با فشارهای روسیه مواجه بود، در پاسخ به درخواست‌های آمریکایی‌ها در ارسال کشتی نظامی به دریای سیاه از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل با طمأنینه عکس‌العمل نشان داد. آنکارا به‌صراحت چندین بار با درخواست ایالات متحده برای عبور کشتی‌های نظامی از تنگه به بهانه‌های مختلف مخالفت کرد.^{۱۳} آنکارا همچنین پیشنهاد ایجاد طرحی را تحت عنوان برنامه امنیت و همکاری در قفقاز جنوبی داد که در نتیجه آن یک چارچوب امنیتی در منطقه با حضور فعال ترکیه، روسیه، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان ایجاد خواهد شد، اما از آنجا که نقش ناتو در آن طرح نادیده گرفته می‌شد، واشنگتن بی‌میلی خود را نسبت به آن بیان کرد.

یکی از موارد آشکار در نقض مواضع ناتویی ترکیه را می‌توان در روابط و همکاری‌های نظامی رو به گسترش این کشور با چین دانست. نماد بارز این همکاری‌ها را می‌توان استفاده از کلاهک‌های چینی در مانور سپتامبر ۲۰۱۰ ترکیه به نام عقاب آناتولی دانست؛ مانوری که قبلاً نیروهای نظامی اسرائیل و ایالات متحده در آن حضور فعالی داشتند. اگرچه ترکیه بارها اعلام کرده بود از هواپیمای اف-۱۶ ساخت آمریکا در رزمایش خود استفاده نکرده و به‌جای آن از هواپیماهای نوع اف-۴ که ایالات متحده در ۱۹۹۶ آنها را از رده خارج کرده بود، استفاده نموده است، باز تنش‌ها کاهش نیافت. در اکتبر ۲۰۱۰ نیروهای ضربت چینی عملیاتی را با واحدهای نظامی آنکارا در خاک ترکیه انجام دادند. اعلامیه مشترک دو کشور که در اکتبر همان سال منتشر شد، حاکی از آن بود که آنکارا و پکن قصد ارتقای روابط خود را تا سطح همکاری‌های راهبردی دارند و این سبب شد روابط ترکیه با اسرائیل و آمریکا بیش از پیش به سردی بگراید.

خاورمیانه منطقه‌ای است که دولت حزب عدالت و توسعه تغییرات بسیار گسترده‌ای را در مقایسه با سیاست سنتی کمالیست‌ها به‌وجود آورده است. سیاست کمالیست‌ها مبتنی بر دوری از خاورمیانه‌ای است که کشورهای آن جزو ممالک فاسد، تمامیت‌خواه و ضد توسعه به‌شمار می‌آیند. کمالیست‌ها همچنین به ایدئولوژی‌های پان‌ترکیستی و پان‌اسلامیستی که مستلزم تماس و همکاری با کشورهای مسلمان در شرق و جنوب ترکیه است، اعتقادی ندارند. میراث کمالیست‌های ملی‌گرا چیزی جز روابط دوستانه با غرب و تعامل با آنها در تحولات نظام

بین‌الملل نمی‌باشد.^{۱۴} در مقابل، سیاست خارجی‌ای که حزب عدالت و توسعه در قبال کشورهای منطقه‌ای از زمان به قدرت رسیدن از سال ۲۰۰۲ دنبال نمود، سیاست zero-problem یا به حداقل رساندن تنش با واحدهای سیاسی هم‌جوار و همسایه به‌ویژه جهان اسلام و کشورهای واقع در خاورمیانه بود.^{۱۵} در نتیجه این سیاست جدید خارجی که معمار اصلی و مبدع فکری آن احمد داود اغلو بود، ترکیه روابط خود را با کشورهایی همچون سوریه، ایران، لیبی و سودان بهبود بخشید. البته این خط‌مشی ترکیه در تضاد آشکار با اولویت‌های سیاست خارجی غرب‌گرایانه آن قرار داشت. برای مثال، ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، نگرانی آمریکا و اسرائیل را از گسترش روابط با سوریه نادیده گرفت؛ سوریه‌ای که یکی از متحدان راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌شمار رفته و نامش در فهرست کشورهای حامی تروریسم در نزد ایالات متحده قرار داشت. در ژانویه ۲۰۰۴ بشار اسد پس از ۴۶ سال به ترکیه سفر کرد. اردوغان نیز در دسامبر همان سال با دیدار از دمشق و امضای یک تفاهم‌نامه تجارت آزاد، به سفر همتای سوری خود پاسخ داد. دیدار مقامات بلندپایه دو کشور و بحث درباره همکاری‌های راهبردی بین آنکارا و دمشق موجبات ناراحتی دولت بوش را فراهم آورد. در آوریل ۲۰۰۹ دو کشور اولین مانور نظامی مشترک خود را با موفقیت انجام دادند. در سپتامبر همان سال نیز شورای همکاری‌های استراتژیک بین دمشق و آنکارا تشکیل شد. از این گذشته، در فوریه ۲۰۱۱ ترکیه تصمیم گرفت نیروهای نظامی خود را برای آموزش ارتش سوریه به این کشور گسیل دارد. در میان اعضای ناتو هیچ کشوری را همچون ترکیه نمی‌توان یافت که روابط مستحکم و تنگاتنگی با سوریه داشته باشد. ترکیه همچنین با استقبال از عمرالبشیر، رییس‌جمهور سودان در سال ۲۰۰۸ باعث افزایش انتقاد غربی‌ها از خود شد. عمرالبشیر به خاطر جنایات‌های جنگی و نسل‌کشی در دارفور تحت تعقیب نهادهای بین‌المللی قضایی قرار داشت.^{۱۶} دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه با انتقاد از رفتار غرب نسبت به رییس‌جمهور سودان و نگاه گزینشی در قبال بحث تروریسم، فاصله خود را از غرب بیشتر کرد.

رویکرد جدید اسلام‌گرایان ترک زمانی آشکار شد که دولت حزب عدالت و توسعه به‌طور رسمی از سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در ژوئن ۲۰۱۰ خواست به این کشور

سفر کند.^{۱۷} حزب‌الله یک گروه شیعی است که هدفش تعامل با سایر گروه‌های لبنان بوده و برنامه‌های ایدئولوژیکی آن ماهیت ضد غربی داشته و خواستار خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و نابودی آن می‌باشد. غربی‌ها و در راس آن آمریکا این سازمان اسلامی را در زمره گروه‌های تروریستی قرار داده‌اند.^{۱۸}

انحراف دیگر حزب عدالت و توسعه از سنت کمالیستی را می‌توان به حضور فعال دولتمردان این حزب در جهان عرب دانست. ترکیه از سال ۲۰۱۰ در اجلاس سران اتحادیه عرب حضور داشته و همواره به‌عنوان یکی از اعضای ناظر در نشست‌های آن شرکت می‌کند. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در اجلاس سران کشورهای عرب در لیبی اعلام کرد که ترک‌ها و ملت عرب نه‌تنها به لحاظ مسایل ژئوپلیتیک با هم اشتراک منافع دارند، بلکه از فرهنگ و تمدن مشترک و نظام اقتصادی هم‌سان برخوردارند و این امر سبب شده است اتحادیه عرب در ملاحظات سیاست خارجی ترکیه اهمیت افزونی بیابد و نیز آنکارا بر این باور است که نگاه مشترکی بین ترکیه و اتحادیه عرب نسبت به موضوعات منطقه‌ای و سیاست جهانی وجود دارد. او گفت: «آنکارا آماده تعامل و همکاری با جهان عرب در تمامی زمینه‌هاست.»^{۱۹} در سال ۲۰۱۰ ترکیه همچنین به عضویت ناظر سازمان پارلمان‌های اتحادیه عرب درآمد.^{۲۰} نمود بارز دیگر افزایش روابط ترکیه با جهان عرب در آوریل ۲۰۱۰ اتفاق افتاد؛ یعنی زمانی که اردوغان شبکه‌ای را به زبان عربی در رادیو - تلویزیون دولتی ترکیه افتتاح کرد. به‌علاوه، جذابیت‌های دولت حزب عدالت و توسعه از این حقیقت منبعت می‌شود که دولت ترکیه و نخست‌وزیر آن به‌دنبال برخورد خشن با اسرائیل در آوریل - می ۲۰۱۰ به محبوب‌ترین شخصیت خاورمیانه در میان افکار عمومی خاورمیانه و به‌خصوص جهان عرب تبدیل شد.

ترکیه تحت رهبری AKP همچنین مصمم بود مذاکراتی را با حماس به‌دنبال پیروزی آن در انتخابات مجلس نمایندگی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶ و پس از به‌دست گرفتن کنترل غزه در ژوئن ۲۰۰۷ انجام دهد. این تصمیم ترکیه انحراف آشکاری از ملاحظات سیاست خارجی غرب - محورانه این کشور داشت که براساس آن آنکارا از هرگونه ارتباط رسمی با نهادهای تروریستی طرفدار نابودی اسرائیل منع می‌شد. کشورهای غربی نیز از مذاکره با حماس به‌عنوان

یک گروه دارای مشروعیت داخلی اجتناب می‌کردند. آنها معتقد بودند زمانی اتحادیه اروپا این گروه را به رسمیت خواهد شناخت که به توافق‌نامه‌های امضا شده بین تلویو و سازمان آزادی‌بخش فلسطین احترام بگذارد و همچنین از انجام اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت یهودی دست بردارد. همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، ترکیه در اثنای عملیات کستلید در دسامبر ۲۰۰۸ - ژانویه ۲۰۰۹ از حماس حمایت نمود. حتی کار به آنجا کشیده شد که کشورهای محافظه‌کار عرب نیز حمایت خود را از حملات خون‌بار اسرائیل علیه مردم حماس ابراز داشتند. نخست‌وزیر ترکیه در یکی از سفرهای موفقیت‌آمیز خود به ایران، آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه اسرائیل، را به خاطر تهدید اتمی غزه مورد عتاب و سرزنش قرار داد.^{۲۱}

با این حال حمایت از حماس که نشان از تمایلات اسلام‌گرایانه در سیاست خارجی ترکیه و شکاف روبه‌افزون بین آنکارا و غرب داشت، بیانگر نگاه جدید به رقابت‌های تاریخی با ایران بود.^{۲۲} گرچه ترکیه یک کشور سنی است و ایران یک نظام سیاسی شیعی، اما تفکرات سیاسی در آنکارا نشان می‌دهد ایران به خاطر آرمان‌های به حق هسته‌ای یک رقیب بسیار مهم برای ترکیه محسوب می‌شود.^{۲۳} ولی با این اوصاف دولت AKP، ایران را از فهرست تهدیدات ترکیه حذف کرده است.^{۲۴}

در مقایسه با سیاست‌های گذشته، ترکیه از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رییس‌جمهور ایران با دیدار از این کشور در آگوست ۲۰۰۸ استقبال به عمل آورد. این در حالی بود که هیچ کشور غربی چنین استقبالی از احمدی‌نژاد به عمل نیاورد. به‌علاوه، رجب طیب اردوغان بلافاصله پس از پیروزی مجدد آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۹، رای مثبت و دوباره مردم را به ایشان تبریک گفت.

هنگامی که سخن از تهدید هسته‌ای به‌میان می‌آید، آنکارا برخلاف متحدانش در ناتو با اتخاذ تحریم‌های سنگین علیه ایران که مورد حمایت آمریکا بود، مخالفت کرد. البته این موضع ترکیه به‌خاطر ترس از عواقب تحریم‌های اقتصادی بر این کشور حکایت داشت. داود اغلو همواره بر این نکته تاکید می‌کرد که دیپلماسی تنها راهی است که بر سر حل برنامه هسته‌ای ایران وجود خواهد داشت.^{۲۵} اختلافات بین غرب و ترکیه زمانی به اوج خود رسید که رهبران ایران،

نخست‌وزیر ترکیه و داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، توافق‌نامه‌ای را در ۱۶ می ۲۰۱۰ امضا کردند که براساس آن ایران می‌بایستی بخشی از اورانیوم با درجه غنای ۳/۵ درصدی را برای نگه‌داری در ترکیه می‌فرستاد و در قبال آن اورانیومی را دریافت می‌کرد که درجه غنای آن برای سوخت‌گذاری در راکتور تحقیقاتی تهران کافی باشد. موافقت‌نامه مبادله سوخت هسته‌ای ایران، ترکیه و برزیل که بهانه آمریکا را برای تحمیل فشارهای اقتصادی علیه ایران از بین می‌برد، با استقبال بسیار سرد واشنگتن مواجه شد. داود اغلو در واکنش به نارضایتی آمریکایی‌ها اعلام کرد که اکنون دیگر جایی برای بحث درباره تحریم‌ها علیه ایران وجود ندارد.^{۲۶} در ژوئن ۲۰۱۰ نیز ترکیه به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که تحریم‌های گسترده‌تری را علیه ایران مقرر می‌کرد و مورد حمایت اعضای دایم و برخی اعضای غیردایم شورا بود، رای منفی داد.

قبلا در اقدامی علیه تلاش‌های آمریکا برای تحمیل تحریم‌های سنگین بر ضد ایران، مقامات نفتی تهران و آنکارا موافقت کردند یک پالایشگاه نفت خام را در شمال ایران به ارزش دو میلیارد دلار احداث نمایند.^{۲۷} اردوغان بعدها در بازدید از تهران در اکتبر ۲۰۰۹ گفت: «ایران و ترکیه در حل‌وفصل موضوعات منطقه‌ای از علایق مشترکی برخوردارند.»^{۲۸} نخست‌وزیر ترکیه در این سفر بار دیگر اعلام کرد که برخورداری از فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای حق طبیعی تمام کشورهای جهان از جمله ایران است.^{۲۹} در پاییز ۲۰۰۹ ترکیه که جایگاه یکی از اعضای هیات ریسه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اشغال کرده بود، به محکومیت ایران در ساخت کارخانه جدید غنی‌سازی اورانیوم در نزدیکی قم رای منفی داد. ترکیه همچنین ترجیح داد با عدم پذیرش استقرار سامانه موشکی ناتو بتواند دل ایران را به‌دست آورد، اما در نهایت در این مورد تسلیم فشارهای غرب شد.^{۳۰} در سایه رقابت‌های تاریخی بین دو کشور، تحول در سیاست خارجی ترکیه، سبب تغییر کلی در اولویت‌های قبلی خط‌مشی‌های آنکارا شد. حتی کار به آنجا رسید که برخی از اسلام‌گرایان ترک، زبان به طعن و انتقاد از همراهی ترکیه با ایران گشودند.^{۳۱}

توجه خاص اسلام‌گرایان بر سیاست خارجی جدید را می‌توان در مشارکت فعال ترکیه در اجلاس کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی به‌عینه مشاهده کرد. مقر این سازمان در عربستان سعودی قرار دارد و یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین لابی‌های مشورت و رایزنی در

ارزیابی رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه

مجمع عمومی سازمان ملل محسوب می‌شود. از سال ۲۰۰۵ اکمل‌الدین احسان اوغلو، تبعه ترک ریاست این سازمان را تاکنون عهده‌دار بوده است. ترکیه تحت رهبری AKP حضور خود را در سازمان هشت کشور اسلامی در حال توسعه که متشکل از کشورهای، اندونزی، مالزی، پاکستان، بنگلادش، ایران، مصر و نیجریه به‌همراه آنکارا بود، بیش از پیش فعال کرده است. طرح اصلی تشکیل این سازمان را نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب رفاه و نخست وزیر دولت ائتلافی این کشور در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۶ داد. اردوغان خود در آن موقع معاون اربکان و یکی از اعضای فعال این حزب بود.^{۳۲}

نگاه جدید در سیاست خارجی ترکیه نتیجه ترکیب عوامل داخلی و خارجی بوده است. عامل نخست تغییراتی که منجر به پیشرفت‌های قابل توجه در محیط راهبردی ترکیه شد را مورد بررسی قرار می‌دهد. بلافاصله پس از پایان جنگ سرد، ترکیه خطراتی را از جانب همسایگان خود احساس کرد، اما در نهایت این تهدیدات نیز مرتفع شدند. ترس از جنگ با یونان در میانه دهه ۹۰ جای خود را به تعمیق و توسعه روابط و شکل‌گیری جو جدیدی از همکاری‌های دوستانه داد.^{۳۳} همچنین از اکتبر ۱۹۹۸ روابط ترکیه - سوریه به خاطر تهدید آنکارا به استفاده از زور علیه دمشق به دلیل حمایت خاندان اسد از شورشیان کرد و صرف‌نظر کردن این خاندان نسبت به ادعاهای ارضی خود در قبال استان اسکندرون، وارد مرحله جدیدی شد.^{۳۴} ترکیه از طریق تهدیدات نظامی موفق شد قبرس را متقاعد نماید از استقرار سیستم‌های موشکی زمین به هوای اس-۳۰۰ که باعث کاهش توان مانور نیروهای هوایی این کشور می‌شد، جلوگیری نماید. به‌علاوه، حذف صدام حسین در ۲۰۰۳ محیط امنیتی ناپایداری را برای آنکارا به‌وجود آورد. تحت چنین شرایطی بود که آنکارا احساس کرد وابستگی این کشور به حمایت‌های اسرائیل و غرب کم شده است. به‌طور کلی ترکیه خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه و همچنین شاهره انتقال انرژی از شرق به غرب می‌دانست و این باعث افزایش چانه‌زنی جغرافیایی و بین‌المللی آنکارا شده بود.^{۳۵} با این حال، ترکیه نیاز دارد به ذخایر انرژی دسترسی داشته باشد تا از طریق خاک خود بتواند آن را به غرب که فاقد منابع فسیلی است، برساند. ایران البته یکی از تولیدکنندگان

اصلی کالاهای مرتبط با انرژی است. در حال حاضر حدود یک سوم منابع گاز مصرفی ترکیه توسط ایران (از طریق خط لوله ایران - ترکیه که در سال ۲۰۰۱ بین دو کشور به امضا رسید) تامین می‌شود. پس می‌توان گفت یکی از دلایل تغییر رویکرد ترکیه نسبت به ایران، از ملاحظات راهبردی این کشور درباره عنصر تعیین‌کننده انرژی سرچشمه می‌گیرد.

حفظ روابط دوستانه با روسیه، دیگر تامین‌کننده انرژی، از اهمیت زیادی برای ترکیه برخوردار است. ایران و روسیه هر دو رقبای غرب در منطقه محسوب می‌شوند.^{۳۶} منافع ملی روسیه مقابله با نفوذ ایالات متحده در جهان به‌ویژه در ترکیه است که همسایه جنوبی مسکو می‌باشد.^{۳۷} در حالی که ترکیه مشتاق تحکیم موقعیت خود در انتقال خطوط انرژی است، روسیه نیز علاقه‌مند است راه‌های جدید صادراتی را به‌روی خود بگشاید. روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی در جهان، قصد دارد نفت خام خود را از طریق خط لوله سامسون - جیهان که از ترکیه عبور می‌کند، به اروپا انتقال دهد. امروزه دو سوم گاز وارداتی ترکیه توسط روسیه تامین می‌شود. به‌علاوه، استقبال ترکیه از انعقاد قرارداد ساخت نیروگاه اتمی با یک شرکت روسی در می ۲۰۱۰، وابستگی آنکارا به مسکو را بیشتر نموده و نوعی روابط راهبردی بین دو دشمن دیرین در منطقه را به منصفه ظهور گذاشته است. در دیدار بین اردوغان و ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه، در مسکو در ژانویه ۲۰۱۰ موضوعات مربوط به انرژی در دستور کار دو طرف قرار گرفت.^{۳۸}

در سال‌های اخیر روسیه به بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه با مراودات اقتصادی دوجانبه به ارزش ۳۸ میلیارد دلار تبدیل شده است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که صادرات ترکیه و قراردادهای گروه‌های تجاری این کشور با مسکو به خاطر جنگ ۲۰۰۸ گرجستان با موانعی روبه‌رو بوده است. ترکیه و روسیه در آگوست ۲۰۰۹ بر حل موانع تجاری مانند مسائل مربوط به حقوق گمرکی، صادرات کالا و حمل و نقل تاکید کردند. پوتین بعدها از ترکیه درخواست کرد امتیاز مطالعات ساخت خط لوله سوئ استریم را به این کشور اعطا کند. یک منبع وابسته به وزارت خارجه ترکیه اعلام کرد: «دو کشور در جستجوی سازوکارهایی هستند که از هرگونه بحران در روابط فیما بین جلوگیری به عمل آورده و مناسبات دوجانبه به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی را ارتقا بخشند.»^{۳۹}

در هر حال دو کشور شرکای طبیعی همدیگر محسوب می‌شوند؛ چون هر دو احساس تحقیر خاصی نسبت به غرب دارند. هر دو آنها علاقه‌مند به بازگشت به گذشته امپریالیستی خود بوده و در نهایت اینکه، هر دو کشور توسط دولت‌هایی اداره می‌شوند که در صدد تجدید قوا برای احیای شکوه از دست داده خود هستند.

دوری ترکیه از غرب به خاطر قوانین سخت‌گیرانه اتحادیه اروپا و فرایند پیچیده عضویت در آن بیش از پیش شد. ناکامی اتحادیه اروپا در عمل به وعده‌هایش در مورد قبرسی‌های ترک‌تبار، رویکرد و رویه همکاری جویانه آن در حل بحران قبرس با نمایندگان سازمان ملل، باعث کاهش رغبت آنکارا در تداوم مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا شد. منتقدین عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا معتقدند که هم‌گرایی با اروپا و قبول تعهدات عضویت در آن، سبب تضعیف اتحاد داخلی در ترکیه شده و به ماهیت سکولار نظام جمهوری این کشور ضرر می‌رساند.^{۴۰} برخی از کشورهای اروپایی اعلام کرده‌اند در ارتباط با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا ملاحظات خاص خود را دارند. در ضمن، تقاضای عضویت در این اتحادیه در ۲۰۰۸ هنگامی ضربه سنگینی به آنکارا وارد کرد که با مخالفت برخی از کشورهای اروپایی مواجه شد. کشورهای مهم این اتحادیه مانند فرانسه و آلمان پیشنهاد عضویت ویژه را به جای عضویت کامل به ترکیه دادند.^{۴۱} در پاسخ به مخالفت برخی کشورهای اروپایی، ترک‌ها اعلام کردند از رغبت آنها به عضویت در اتحادیه اروپا کاسته شده است.^{۴۲}

از زمان ظهور حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه در اکتبر ۲۰۰۲، نخبگان جدید رویکرد بسیار متفاوت‌تری را در منطقه دنبال کردند که دربرگیرنده اولویت‌های سیاسی مختلفی هستند. این حزب معتقد است گسترش روابط با همسایگان مسلمان برای ترکیه بسیار مهم است؛ امری که کمالیست‌ها بدان به‌عنوان مانعی برای خواست آنکارا به‌منظور تبدیل شدن به بخشی از جهان غرب هم به لحاظ سیاسی و هم از نظر فرهنگی می‌نگرند. پس از پیروزی در دو دوره انتخابات سراسری، سران حزب عدالت و توسعه به اعتماد نفس بیشتری دست یافتند تا نوعی از طرح سیاست خارجی را در پیش گیرند که در آن ترکیه بخشی از جهان اسلام در نظر گرفته شود و خط‌مشی‌های سیاست داخلی آن نباید از درون‌مایه‌های اسلامی تهی باشد. حزب

عدالت و توسعه بر شکلی از ملی‌گرایی رو به رشد در جامعه داخلی ترکیه تاکید دارد که به معنای مقابله با رشد آمریکاگرایی بوده تا از این طریق بتواند روابط فرهنگی و راهبردی خود را با غرب گسسته نماید.^{۴۳} در پایان ۲۰۱۰، ۴۳ درصد مردم ترکیه از ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای این کشور یاد می‌کردند. از نظر ۲۴ درصد مردم نیز اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید برای منطقه و ترکیه قلمداد می‌شود.^{۴۴}

حضور فعال ترکیه در خاورمیانه، منطقه‌ای که در دوران کمالیست‌ها تحت‌عنوان سیاست عدم تعهد و مداخله از آن یاد می‌شد، توجهات گسترده‌ای برای ایفای یک نقش جهانی در محیط بین‌المللی به‌خود جلب کرد. نطفه‌های چنین اقدامی در دهه ۹۰ تا حدودی در ترکیه بسته شده بود. انگیزه‌هایی همچون عثمانی‌گرایی که طلوعه آن در همان دوران زده شد، ترکیه را بر آن داشت تا به میانجی‌گری در حل مناقشات منطقه‌ای همچون اختلافات بین ایران و ایالات متحده، عراق و سوریه، سوریه و اسرائیل، اسرائیل و فلسطینی‌ها بپردازد، به امید اینکه موفقیت‌هایی را در عرصه بین‌الملل برای خود به ارمغان بیاورد. این اشتیاق سیری‌ناپذیر ترکیه به میانجی‌گری با علاقه آن به کسب جلال و جبروت دوران عثمانی، هم‌خوانی نداشت. به هر حال، شوق بزرگی و اعتبار بین‌المللی، ترکیه را واداشت از نگاه قبلی به‌عنوان یکی از متحدین وفادار آمریکا اندکی خارج گردد.

سرد شدن روابط با اسرائیل بخشی از پروژه تغییر سیاست خارجی ترکیه است. با وجود این، اختلافات بین آنکارا و تل‌آویو تا پایان ۲۰۰۹ به خاطر تنفر شدید رهبری حزب عدالت و توسعه از اسرائیل و یهودیان بود؛ خصوصیتی که در بخش‌هایی از جنبش‌های اسلام‌گرای ترک ریشه دوانیده بود.^{۴۵} به‌علاوه، در سخنرانی اکتبر همان سال در دانشگاه استانبول اظهارات صریحی را برضد یهودیان ابراز کرد.^{۴۶} با این حال اردوغان برآمده از ریشه‌های اسلام سیاسی، همچنان خود را پایبند به جنبش‌های سیاسی ضد صهیونیستی می‌داند.^{۴۷}

پیامدهای بین‌المللی تنش در روابط ترکیه - اسرائیل

موقعیت جغرافیایی ترکیه و وسعت آن اهمیت راهبردی و بی‌همتایی به این کشور داده و در واقع، به همین خاطر از یک وزن منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار گردیده است. دوری از غرب در

ایجاد توازن قدرت در خاورمیانه بزرگ‌تر بر سیاست جهانی پیامدهایی داشته است. در حال حاضر خاورمیانه بین ایران اسلامی و متحدانش و نیروهای محور تعادل مانند اسرائیل و اکثر کشورهای عرب تقسیم شده و درگیری‌های حادث در منطقه از زمان انقلاب جمهوری اسلامی ایران تاکنون بین این دو محور در جریان بوده است. تا پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه خود را در میان طرفداران طیف غرب می‌دانست، اما با سفر اردوغان در ۲۰۰۹ به تهران، آنکارا خود را از این جریان خارج ساخت. داود اغلو هنگام ملاقات با دبیر شورای امنیت ملی ایران، سعید جلیلی، با حمایت از برنامه‌های هسته‌ای همسایه خود، در کنار ایران ایستاد. در طول این دیدار، داود اغلو بر موضع مستحکم ترکیه در گسترش و ارتقای روابط با ایران تاکید کرد.^{۴۸} این روابط با ایران، محک و سنگ عیاری برای گرایش‌های اسلام‌گرایانه در ترکیه محسوب می‌شود.

با خروج ترکیه از محور کشورهای طرفدار غرب، محدود کردن ایران و توقف برنامه‌های هسته‌ای آن برای جامعه بین‌المللی با چالش‌های بیشتری همراه بوده است. در واقع ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای غیردایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مارس ۲۰۱۰ از حمایت از تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران سر باز زد و موجبات ناراحتی غرب را فراهم آورد و در ژوئن ۲۰۱۰ علیه تحریم‌ها رای منفی داد.^{۴۹} یکی از دلایل آن این بود که با ایران دارای مرز است. مواضع کنونی ترکیه این امکان را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند تا در برابر فشارهای اقتصادی خود را ایمن نماید و قدرت خود را در خاورمیانه به رخ رقیبان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بکشد.

با عنایت به موارد فوق‌الذکر، اردوغان و دولت او همچنان به همکاری ایران، سوریه و ترکیه به‌عنوان یکی از عناصر مهم در حفظ ثبات منطقه‌ای نگاه می‌کند؛ چون هر سه کشور به خاطر ترس از ایجاد دولت مستقل کردی در منطقه، چاره‌ای جز تعامل کامل با همدیگر ندارند و در ضمن خروج ایالات متحده از عراق عامل دیگری خواهد بود تا ایران، سوریه و ترکیه برای جلوگیری از ایجاد خلاء قدرت و همچنین اجتناب از دخالت‌های اسرائیل به همدیگر نزدیک‌تر شوند. هر سه کشور معتقدند موقعیت اسرائیل در منطقه به خاطر تحولات خاورمیانه و خیزش‌های جهان عرب رو به ضعف نهاده است. نخبگان سیاسی این کشورها معتقدند غرب و به‌ویژه ایالات متحده در سراسیابی ضعف و سقوط به سر می‌برد.

تحول در سیاست خارجی ترکیه بی‌تردید نفوذ ایران را در سوریه و لبنان افزایش خواهد داد. گسترش نفوذ حزب‌الله در لبنان و یک سلسله تغییرات قدرت به نفع تهران، به ایران این امکان را می‌دهد که محوریت شیعی را تا دریای مدیترانه ایجاد کند. نفوذ ایران پس از خروج تفنگ‌داران آمریکایی در جنوب عراق از میزان فعلی نیز بیشتر خواهد شد و حضورش را در سواحل شرقی مدیترانه از طریق عراق مستحکم‌تر خواهد کرد. از این گذشته، از وفاداری ترکیه به غرب درباره خروج سوریه از محور مقاومت به منظور تقویت نیروی دموکراتیک در لبنان کاسته خواهد شد. سوریه نیز با حمایت ترکیه خواهد توانست در مقابل فشارهای غرب و انزوای این کشور مقاومت کرده و به اتحاد خود با ایران ادامه دهد.^{۵۰}

این تحولات ظرفیت ایران را برای نشان دادن قدرت خود در منطقه مدیترانه شرقی و حتی در مناطق غربی‌تر همچون بالکان افزایش می‌دهد. در منطقه بالکان هنوز سه کشور هستند که ایرانی‌ها در آن حضور فعالی دارند. ترکیه نیز جایگاه مهمی در تحولات بالکان به‌عنوان جانشین اصلی امپراتوری عثمانی داشته است. پیشروی ایران در بالکان می‌تواند جریان مقاومت در بالکان را نیز تقویت نماید و جوامع مسلمان در این کشورها را به سمت مخالفت با نظام‌های سیاسی‌شان رهنمون سازد. برای مثال، قبرس شمالی که در ۱۹۷۴ توسط ترکیه اشغال شده بود، می‌تواند دست‌آویز و بهانه مناسبی برای حضور مسلمانان در بالکان باشد.

محور تهران - آنکارا می‌تواند کشورهای محافظه‌کار عرب را تحت فشار قرار دهد تا به واحدهای سیاسی جنوب متمایل شوند. صرف نظر از تنش‌های موجود در روابط دوجانبه ایران و مصر، اختلافات گسترده‌ای بین آنکارا و قاهره نیز وجود دارد. گرچه مواضع بین‌المللی ترکیه در تحولات نظام بین‌الملل به‌ویژه منطقه خاورمیانه و خیزش‌های جهان عرب باعث علاقه‌مندی افکار عمومی این کشورها شد، با استقبال رهبران عرب و کشورهای محور اعتدال در منطقه مواجه نگردید. رهبران این کشورها سیاست خارجی کنونی ترکیه را که سبب اتحاد تهران و آنکارا می‌شود، با نگرانی‌های زیادی دنبال می‌کنند. به خصوص مصر (رژیم سرنگون شده مبارک) که رفتار ترکیه نسبت به رژیم حاکم در غزه را برای قاهره وحشتناک توصیف کرده و آن را در تضاد با منافع منطقه‌ای خود می‌داند.^{۵۱} اتحاد جدید بین ایران و ترکیه، باعث می‌شود کشورهای حامی غرب در

منطقه مانند مصر و عربستان سعودی تضعیف شوند و نفوذ ایالات متحده نیز کاهش یابد. ضعف این کشورها زمانی پررنگ‌تر می‌شود که کشورهایی همچون ایران از ایالات متحده انتظار داشته باشند به اشغال خود در عراق در آینده‌ای نزدیک خاتمه دهند.

تلاش ترکیه برای آشتی با ارمنستان بخشی از پروژه آنکارا برای به حداقل رساندن تنش‌ها با همسایگان بود. اما باید به این نکته واقف بود که ارمنستان، همواره در قفقاز مورد حمایت ایران و روسیه است. باید گفت بحث بهبود روابط ایروان - آنکارا با یک مشکل ژئوپلیتیکی همراه است. واقعیت این است که روابط موقت و شرطی میان ترکیه و ارمنستان بر مناسبات مستحکم آذربایجان و ترکیه سایه افکنده است.^{۵۲} رابطه ریشه‌دار باکو - آنکارا پایه و مبنای کریدور انتقال انرژی شرق - غرب بوده و باعث ایجاد یک توازن منطقه‌ای و ژئواستراتژیک می‌شود و این امر به ترکیه و در پی آن کشورهای اروپایی امکان دسترسی به منابع سرشار نفت و گاز دریای خزر را می‌دهد. بدون این اتحاد راهبردی، حضور ترکیه، ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. باکو از نفوذ ایران در منطقه واهمه دارد و امیدوار است ترکیه و غرب بتوانند خلاء قدرت در منطقه مرزی خود را با ایران پر کنند. به همین خاطر، گرایش‌های غرب‌گرایانه ساکاشویلی در گرجستان برای روسیه مشکل‌ساز شده بود.

چرخش در سیاست خارجی آنکارا، کشورهای آسیای مرکزی را نیز که اکثریت جمعیت آنها مسلمان بوده و دارای اشتراکات فرهنگی و زبانی فراوانی (به جز تاجیکستان) با ترکیه می‌باشند، تحت تاثیر قرار داده است. این کشورها پس از دستیابی به استقلال متعاقب اضمحلال شوروی سابق، گرایش‌های غرب‌گرایانه‌ای در پیش گرفتند و از ترکیه به‌عنوان یک الگوی سکولار یاد نمودند.^{۵۳} اگر ترکیه به دنبال گسترش ارزش‌های اسلامی باشد، فشار اسلام‌گرایی از سوی ایران و عربستان سعودی در آسیای مرکزی به‌عنوان یک منطقه راهبردی و حساس افزایش خواهد یافت. اگر این کشورها مغلوب اسلام سیاسی شوند یا در راستای خواسته‌های چین و روسیه در منطقه پیش روند، از نفوذ غرب در منطقه خود خواهند کاست. موضع‌گیری‌های اخیر ترکیه بدون شک توانایی روس‌ها را برای نفوذ در خاورمیانه بیشتر کرده است. در طول دوران جنگ سرد، این آنکارا بود که از ورود نیروهای روسی در منطقه جلوگیری کرد و در جنگی که متحدان غربی آن به‌پا

کرده بودند، حضور یافته بود. بنابراین، اتحاد ترکیه - روسیه می‌تواند منطقه را در معرض دست‌اندازی‌های مسکو قرار دهد. به‌ویژه اینکه از زمان قدرت‌گیری ولادیمیر پوتین، انگیزه‌های امپریالیستی این کشور در بسیاری از مناطق جهان از جمله خاورمیانه افزایش یافته است.

هرچه آنکارا به سمت اسلام‌گرایی حرکت کند، اتحادیه اروپا ترکیه را به‌عنوان ضربه‌گیر بحران‌های منطقه خاورمیانه برای خود از دست خواهد داد. اگر گرایش‌های اسلام‌گرایانه در ترکیه تحکیم شود، این امر منجر به احیای یک کشور مسلمان تجدیدنظرطلبی می‌شود که خود را وارث امپراتوری عثمانی در همسایگی اروپا دانسته و در صدد جاه‌طلبی‌های خود بر خواهد بود. ناتو که در حال حاضر در پی گسترش ماموریت‌های نظامی و دفاعی خود است، احتمالاً با خروج ترکیه تضعیف شده و این امر می‌تواند تاثیر بسیار مهمی در فروپاشی هرچه بیشتر جبهه شرقی آن داشته باشد.^{۵۴} در پاییز ۲۰۱۰ ترکیه، سوریه و ایران را از فهرست کشورهای امنیتی برای این کشور هستند، حذف نمود. این در حالی بود که ایالات متحده، قدرت موشکی ایران و سوریه را تهدیدی برای خود و متحدانش در ناتو قلمداد می‌کرد. با توجه به اینکه ترکیه تنها عضو ناتوست که هم با ایران و هم با سوریه دارای مرز است، بحث تهدیدات امنیتی این دو کشور برای ناتو رنگ و بوی دیگری دارد. گسترش روابط ترکیه با کشورهای مسلمان مجاورش گاه‌گاهی در روابط غرب و آنکارا تنش‌هایی ایجاد کرده است. به همین دلیل ناتو معتقد است، باید احتیاط بیشتری در ارایه اطلاعات و فن‌آوری‌های حساس نظامی به ترکیه به خرج داد؛ چون این احتمال خالی از ذهن نیست که این اطلاعات و توانمندی‌های نظامی به دست معارضان غرب در منطقه بیفتد.^{۵۵}

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه به طرز چشم‌گیری متحول شده است. این امر سبب شد اسراییل تا حدودی نگاه خود را به آنکارا متحول سازد. ادامه این خط‌مشی از جانب ترکیه، باعث می‌شود تلاویو رغبتی به حضور و میانجی‌گری ترکیه در اختلافات خود با سوریه‌ها و فلسطینی‌ها نشان ندهد. اختلافات و تنش‌های موجود بین آنها

به‌ویژه در سال‌های اخیر، سبب شده است روابط اقتصادی و سیاسی آنها تغییرات قابل توجهی به‌خود ببیند، اما در حوزه‌های دیگر مانند همکاری‌های نظامی و راهبردی همچنان علاقه‌مند به توسعه روابط هستند. اسرائیل به خاطر حمایت ترکیه از ایران در خصوص پرونده هسته‌ای تهران، موضوع سوریه و خارطوم از این کشور دلسرد شده است، ولی از آنجا که خصومت‌های بیشتر با ترکیه را به مصلحت منافع خود نمی‌داند، ناگزیر از کنار آمدن با حزب اسلام‌گرای حاکم در این کشور است و به همین دلیل هیچ‌گاه به‌طور علنی اظهار نکرده که ترکیه با سیاست‌های فعلی خود درصدد دوری از بلوک غرب است.

گرایش‌های سیاست خارجی ترکیه علاوه بر اسرائیل، برای غرب نیز از اهمیت روزافزونی برخوردار است. کشورهای غربی همچنان تغییرات اتفاق افتاده در سیاست داخلی و خارجی ترکیه را نادیده می‌گیرند. واشنگتن، ترکیه را نماد یک کشور معتدل اسلامی در جهان اسلام می‌داند، اما رویکردی که آنکارا در دوران AKP دنبال کرده، حاکی از آن است که غربی‌ها ارزیابی‌های نادرستی از واقعیت‌های داخلی و منطقه‌ای دارند. ترکیه با تعمیق و توسعه روابط با کشورهای محور مقاومت، توازن قوا را به‌نفع ایران و متحدانش تغییر داده و این یکی از دلایل شکل‌گیری تنش در روابط ترکیه با مجموعه غرب و به خصوص اسرائیل در منطقه بوده است.

منابع و یادداشت‌ها:

1. Gallia Lindenstraus, "Turkey and The Middle East: between Euphoria and Sobriety," *Strategic Survey for Israel*, August 2011, pp. 112-114.
2. Gencer Ozcan, "Turkeys Changing Neighborhood Policy," *Turkish Year book of International Relations*, V. xxxv, 2004, pp. 4-6.
3. William Hale, "Turkey and Middle East in a New Era," *Insight Turkey*, V. 11, No. 3, 2009, pp. 143-159.
4. H. Keinon, "Turkish FM Cancels Visit over Gaza Row," *Jerusalem Post*, September 8, 2009.
5. "Turkey Cancels Air Force Drill Because of Israeli Participation," *Hürriyet Daily News*, October 11, 2009.
6. B. Opall-Rome and V. Muradian, "Israel-Turkey Rift Derails Defense Trade," *Defense News*, October 18, 2009.
7. *Hurriyet Daily News*, March 29, 2010.
8. Alon Liel, "Turkey as a Regional Player," *Israeli-European Policy Network*, April 2011.
9. Ziya Meral and Janathan Paris, "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity," *Washington Quarterly*, October 2010, pp. 82-84.
10. Ibid.
11. Ibid.
12. Nuri Yesliyurt and Atay Akdeveliglu, "Turkey Foreign Policy under JDP Rule," *Turkish YearBook of International Relations*, Vol. 40, 2009, pp. 52-55.
13. D. Steinvorth, "Turkey Walks a Tightrope Between Russia and the West," *DerSpiegel*, December 12, 2008, Online, at <http://www.spiegel.de/international/world/>.html .
14. Patricia Carely, "Turkeys Role in the Middle East," United States Institute of Peace, 2005.
15. Estephan E. Cornell, "Changes in Turkey: What Drives Turkish Foreign Policy," *Middle East Quarterly*, Winter 2012, pp. 13-16

16. N. Loannis Grigoriadas, "Matching Ambitions with Realities: Turkish Foreign Policy and The Middle East," Middle Eastern Studies Program Working Paper, No. 14, 2010, pp,4-10.
17. Ibid.
18. Available at: www. IsraelHayom. com. 18. Israel Hayom, July 8, 2010.
19. *Hurriyet Daily News*, March 29, 2010.
20. *Hurriet Daily News*, August 10, 2010.
21. R. Talt, "Iran is Our Friend, Says Turkish PM Recep Tayyip Erdogan," *The Guardian*, October 26, 2009.
22. BO Wang, "Turkey-Iran Reconciliatory Relations: Internal and External Factors," *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, Vol. 5, No. 1, 2011, pp. 2-5.
23. Ibid.
24. Ibid.
25. Ibid.
26. Marateen Fonteijn, Nima Khorrami Assl and Paul Ingram, "New Players in the Dispute Over Irans Nuclear Program," *British – American Information Security Council*, August 2010.
27. "Iran Signs Nuclear Fuel Swap Deal with Turkey," *BBC News*, March 25, 2010, <http://news.bbc.co.uk>
28. David Bedein, "Improvements Made in Turkish-Iranian Relations," *The Bulletin*, November 1, 2009.
29. "Erdogan Terms Iran's Visit Positive," *Fars News Agency*, October 28, 2009.
30. Dondu Sarisik, "Turkey, Iran Seek Increased Cooperation in Energy Security," *Hürriyet Daily News*, October 29, 2009.
31. Interviews with Turkish Islamists in Istanbul, May 2010.
32. J. Henry Barkey, "Turkish Foreign Policy and the Middle East," *CERI Strategy Papers*, No. 10 , June 2011, pp. 1-9.
33. Ibid.
34. Muhammad Muslih, "Syria and Turkey: Uneasy Relations," *United States Institute of Peace Press* , 2005.

35. Tur Ozlem, "Turkish-Syrian Relations: Where We are Going?" *UNISCI Discussion Papers*, No. 23, May 2010, pp. 164-165.
36. R. O. Freedman, *Russia, Iran and the Nuclear Question*, The Strategic Studies Institute of the US Army War College, 2006.
37. "Turkish Foreign Policy: From Surrounded by Enemies to Zero Problem," *C. A. P Policy Analysis*, No. 1, 2009, pp. 14-19.
38. Ibid.
39. Ibid.
40. Ziya Onis, *Turkey-EU Relations: Beyond the Current Stalemate*, Insight Turkey, pp. 40-44 .
41. "Fears Grow of Sarkozy Initiative to Downgrade Turkey's EU Bid," *Financial Times*, October 15, 2009 .
42. Alessandria Emiliano, "New Turkish Foreign Policy and Future of Turkish-EU Relations," *Institute Affair Internazionali*, 2010 , pp. 2-5.
43. Ibid.
44. Bulent Aras, "The Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy," *Insight Turkey*, Vol. 11, No. 3, 2009, pp. 128-132 .
45. "Anti Semitism and the Turkish Islamist Milli Gorus Movement," The Middle East Media Research Institute, August 20, 2007.
46. I. Eichner, "Erdogan: Learn from Jews How to Make Money," *Ynet News*, October 11, 2009, Israel News Section.
47. A. H. Aslan, "Erdogan's Message to the Jewish Lobby," *Today's Zaman*, December 19, 2009.
48. "Turkish FM: Ankara Supports Iran's Peaceful Activities," *Fars News Agency*, February 17, 2010.
49. E. Bekdil & U. Enginsoy, "Turkey Rejects More Sanctions on Iran," *Defense News*, March 25, 2010.
50. H. Sabbagh, "Erdogan: Cooperation between Syria, Turkey and Iran is Important for Peace in the Region," *Syrian Arab News Agency*, October 27, 2009.
51. Ozerkan, "Aid Convoy Spurs Crisis between Turkey and Egypt," *Hürriyet Daily News*, January 6, 2010.

52. Fariz Ismailzadeh, "Azerbaijan Nervously Watching Turkish-Armenian Rapprochement," *Eurasian Daily Monitor*, September 11, 2009.
53. David Pipes, "The Event of Our Era: Former Soviet Muslim Republics Change the Middle East," *Council of Foreign Affairs*, 1994, at: www.danielpipes.org/242/the-event-of-our-era.
54. U. Eginsoy & B. E. Bekdil, "Turkey's Changing Foreign Policy And its International Ramifications," *Defense News*, September 13, 2010.
55. E. Kogan, "Turkey's Place and Role in NATO," *Reihe Studies*, 2010, pp. 3-10.